

## تأثیر سیاستهای پولی انبساطی بر فساد در ایران

علی فلاحتی<sup>۱</sup>، افشین باغفلکی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

فساد یکی از واقعیت‌های اصلی برای کشورهای نفتی و به ویژه اقتصاد ایران است. اهمیت بررسی و مطالعه فساد در اقتصادها به دلیل اثرات منفی است که بر بخش‌های واقعی اقتصاد دارد. بر همین اساس مطالعات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با بررسی عوامل موثر بر فساد در کشورهای مختلف انجام شده است. مطالعه حاضر با استفاده از شواهد آماری اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۷۵ و به کارگیری رهیافت اقتصاد سنجی ARDL به بررسی اثرات بلندمدت و کوتاه مدت سیاست پولی انبساطی بر فساد می‌پردازد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به دلیل ایجاد رانت در اقتصاد باعث افزایش فساد شده است، اما کیفیت مطلوب نهادها می‌تواند با بهبود در هدایت موثر نقدینگی به سمت فعالیت‌های دارای ارزش افزوده بالاتر، باعث اثرگذاری مثبت نقدینگی بر کاهش فساد باشد. در واقع آنچه که در رابطه نقدینگی و فساد قابل بیان است، هدایت ناصحیح نقدینگی به سمت فعالیت‌های بدون ارزش افزوده و رانت است که باعث افزایش فساد در اقتصاد شده است. همچنین برآوردها نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت به دلیل ماهیت آن باعث افزایش فساد شده است، تورم به دلیل ایجاد عدم ثبات اقتصادی باعث افزایش فساد شده است، کیفیت نهادها به دلیل کاهش هزینه مبادلات و سرمایه‌گذاری در کشور باعث کاهش فساد می‌شود و در نهایت سرمایه انسانی به دلیل افزایش بازدهی نیروی کار و همچنین افزایش سطح طبقه اجتماعی افراد موجب کاهش فساد شده است. بنابراین یکی از موانع اصلی اقتصاد ایران، نهادینه شدن فساد در اقتصاد است و نیازمند برنامه‌ای بلندمدت برای مبارزه با فساد است و سیاست‌های کوتاه مدت، نمی‌تواند به عنوان راه حلی مطلوب تلقی شود.

کلیدواژه‌گان: فساد، سیاست پولی انبساطی، ARDL، ایران.

۱- دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. Ali.falahati96@gmail.com

۲- استادیار گروه اقتصاد، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) afshin.baghfalaki@iauksh.ac.ir

## 1- مقدمه

فساد یکی از مولفه‌هایی است که در ادبیات اقتصاد به عنوان یک مسئله مهم اقتصادی-اجتماعی همواره وجود داشته و امروزه به عنوان یکی از مهمترین چالش‌ها مدنظر قرار دارد. آثار منفی فساد در شرایط اقتصادی کشورها به حدی است که در سال 1999، رئیس بانک جهانی از فساد به عنوان سرطان یاد می‌کند، از این رو مهمترین توصیه بانک جهانی افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها به شهروندان بوده است (صالح، 2013). ایران یکی اقتصادهایی است که در سال‌های اخیر تغییرات نامطلوبی را در زمینه فساد تجربه کرده است، به این صورت که همواره به دلیل فرآیندها و تغییرات نامطلوب اقتصاد، رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده است. این مسئله در حالی است که یکی از دلایل مهم مطرح شده در سال‌های اخیر، افزایش تحریم‌های اقتصادی و اثرات آن بر کاهش درآمدهای نفتی بوده است. اما بررسی رشد اقتصادی واقعی و رشد اقتصادی مبتنی بر برنامه‌های توسعه نشان دهنده پایین بودن رشد اقتصادی در کشور بوده است و یکی از مهمترین دلایل پایداری کاهش رشد اقتصادی، فساد است. بانک جهانی (2002) فساد را چنین تعریف کرده است: «فساد تعریف محدودتر حکمرانی بد است، یعنی سوء استفاده از قدرت با امکانات عمومی در جهت منافع خصوصی. محیط با حکمرانی بد، انگیزه و فرصتهای بیشتری برای وقوع فساد فراهم می‌سازد». حکمرانی بد می‌تواند باعث کاهش نرخ رشد درآمدی و سرمایه انسانی شود و سرعت به پایان رسیدن منابع طبیعی را افزایش دهد. فساد اقتصادی با از بین بردن شرایط برابر در سرمایه‌گذاری و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تحمیل شرایط عدم اطمینان و ریسک در فضای سرمایه‌گذاری می‌شود که در نتیجه آن انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد. با کاهش سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص ملی و سرانه در سطح پایین تری قرار می‌گیرد. لذا شناخت فساد و عوامل موثر بر آن یکی از مهمترین دغدغه‌های پژوهش‌گران و سیاستگذاران است که در این مطالعه به بررسی اثر سیاست‌های پولی و مالی بر فساد پرداخته می‌شود. لذا ابتدا به بررسی مسئله پژوهش پرداخته می‌شود و سپس به بررسی فرضیه‌ها و اهداف پژوهش پرداخته می‌شود. فساد یکی از مهمترین عوامل برای توسعه اقتصادی مبتنی بر نیروهای تکنولوژی محور است، به این صورت که فساد در اقتصاد باعث هدررفت منابع اقتصادی شده و کشور را در دور تسلسل باطل فقر گرفتار می‌کند، این مسئله در اقتصاد ایران با توجه به گزارشات متعدد، دارای نمود واقعی تری است و به علت همین شناخت عوامل موثر بر فساد می‌تواند دارای دلالت‌های سیاستی مهمی باشد. نقدینگی در اقتصاد ایران به طور افزایشده‌ای نسبت به رشد اقتصادی افزایش یافته و این مسئله می‌تواند یکی از کانال‌های افزایش رانت و فساد به واسطه بهره‌برداری از بازارهای رانتی بدون ارزش افزوده باشد. بنابراین اهمیت پژوهش حاضر با توجه به واقعیت‌های اقتصادی کشور در زمینه فساد و عدم تبدیل منابع مالی به رشد اقتصادی قابل استناد است. و این مسئله قابل ذکر است که آیا می‌توان با تغییر رویه‌ی سیاست‌های پولی، فساد را در اقتصاد کاهش داد، تا بتوان از مزایای تکنولوژی‌های نوین

تولیدی بهره برد؟ هدف اصلی در پژوهش حاضر بررسی اثربسیاست های پولی انبساطی بر فساد در اقتصاد ایران است، علاوه بر این نقش میانجگری کیفیت نهادها بر رابطه نقدینگی و فساد در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. قلمرو مکانی پژوهش اقتصاد ایران در سطح کلان است و قلمرو زمانی دوره 1375-1399 را پوشش می‌دهد. در بخش وسیعی از مطالعه به تحلیل داده‌ها و شواهد آماری گردآوری شده پرداخته می‌شود که برای این مورد از نرم افزار EXCEL استفاده شده است، سپس برای برآورد مدل از نرم افزار Eviews استفاده شده است، که می‌تواند فرضیه‌های تحقیق را مورد آزمون قرار دهد.

## 2- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

معادل کلمه فساد<sup>۱</sup> از ریشه لاتین (Rumrere) و به معنی شکستن یا نقض است. به عبارت دیگر، در اینجا منظور این است که چیزی شکسته می‌شود. این چیز می‌تواند قوانین و مقررات اخلاقی یا اجتماعی یا به احتمال قوی قواعد و مقررات اداری باشد (تانزی، 2001). به طور کلی فساد سوءاستفاده از قدرت در منافع دستاوردهای غیرقانونی است (آندرسون و هیوود<sup>۲</sup>، 2009) و یا سوءاستفاده از اختیارات دولتی و به نفع شخصی (اسچولتز و هاروتینیان<sup>۳</sup>، 2015 و چوی و وو<sup>۴</sup>، 2012)، عدم رعایت استانداردهای کیفیت در بالاترین سطح (بریور<sup>۵</sup>، 2007). استفاده غیر قانونی از دفتر عمومی برای به دست آوردن سود شخصی (چانگ و گلدن<sup>۶</sup>، 2010). غارت کردن دارایی‌های عمومی، رشوه دادن و باند بازی (کاکچروفت<sup>۷</sup>، 2010). فساد مفهومی گسترده است که طیف وسیعی از رفتارها و فعالیتهای غیر قانونی نامشروع، متقلبان، غیر اصولی و ناهنجار را شامل می‌شود، از نظر تاریخی فساد در تمامی حوزه‌های سیاسی اداری و بخش خصوصی وجود دارد (کیانی منش، 1386). در فرهنگ وبستر<sup>۸</sup> فساد چنین تعریف شده است "فساد عبارت است از پاداشی نامشروع که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه، تخصیص داده می‌شود" (سرداری، 1380). میردال<sup>۹</sup> (1986) فساد را چنین تعریف کرده است: فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است (کیانی منش، 1386). تعاریف دیگری از فساد اداری نیز توسط ساموئل هانتینگتون و ویتو تانزی به عمل آمده است که به ترتیب عبارتند از: رفتار کارکنان دولتی که برای منافع خصوصی خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند، و نیز اتخاذ تصمیمات اداری تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و دلبستگی های اجتماعی. تعریف تانزی بیش تر در مورد کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. زیرا در این کشورها روابط اجتماعی و خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است و هر فرد موظف است تا حتی المقدور به خویشاوندان و نزدیکان خود کمک کند. علاوه بر آن هر فرد برای رسیدن به مقاصد شخصی و رفع مشکلات خود در وهله اول متکی به حمایت ها و مساعدت های اقوام و آشنایان خویش می‌باشد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، جلد اول، 1382). یکی از وزرای اعظم هند باستان به نام کاتی لیا<sup>۱۰</sup> در

۱ - Corruption

۲ - Andersson & Heywood

۳ - Schultz & Harutyunyan

۴ - Choi & Woo

۵ - Brewer

۶ - Chang & Golden

۷ - Cockcroft

۸ - webster

۹ - Myrdal

۱۰ - Kautilya

مقاله خود به نام آرتا شاسترا<sup>۱</sup> در حدود 2000 سال قبل نوشته است: «... همان طور که غیر ممکن است از چشیدن عسل یا سَمی سَمی که در نوک زبان است خودداری نمود، همانطور هم برای کسی که با وجوه دولتی سر و کار دارد غیرممکن است که حداقل جزء کوچکی از ثروت پادشاه را به یغما نبرد...» این گفتار طبیعت کهن فساد را که سوءاستفاده از منصب دولتی برای کسب منافع خصوصی است، نشان می دهد (همان). یک تعریف معروف فساد که توسط قانون جزایی هند ارائه شده است می گوید: «شخصی متهم به فساد است که با داشتن مقام دولتی و یا در حالی که در انتظار دریافت چنین مقامی است هر گونه لطف و کمکی خارج از حقوق قانونی برای خودش یا شخص دیگری به عنوان انگیزه یا جبران انجام یا عدم انجام کار رسمی یا امری که در حدود وظایف اوست، حمایت از فرد یا مخالفت با او یا دادن یا ندادن خدماتی به افراد، دریافت یا با دریافت آن موافقت کند یا تلاش در کسب آن نماید» در تعریفی دیگر فساد به «عدم رعایت عمدی اصل فاصله به منظور کسب امتیاز برای خود یا افراد وابسته» اطلاق شده است. در تعریفی دیگر فساد در زندگی عمومی عبارتست: از بهره گیری از قدرت عمومی به خاطر نفع شخصی، ارتقاء مقام، کسب شهرت، یا به خاطر نفع یک گروه یا طبقه، به طریقی که موجب نقض قانون یا زیر پا نهادن معیار های کردار عالی اخلاقی شود.

همایونی فر و توتونچی (1400) با استفاده از رهیافت مدل پانل کوانتیل عوامل موثر بر فساد اداری در کشورهای منتخب تولید کننده نفت در دوره زمانی 1996-2017 با نگرش توسعه منطقه‌ای مورد بررسی قرار می دهند، نتایج برآوردهای آنها نشان می دهد که در دو گروه از کشورهای با درآمد بالا و پایین، رشد اقتصادی باعث کاهش فساد اداری شده است، اما نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای با درآمد پایین باعث افزایش فساد شده است و در کشورهای با درآمد بالاتر، باعث کاهش فساد اداری شده است. صدری اسکویی و همکاران (1400) در مطالعه‌ای برای 53 کشور منتخب در دوره زمانی 2012-2018 به بررسی رابطه بین سرمایه انسانی و فساد با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری می پردازند، نتایج مطالعه آنها نشان می دهد که مخارج آموزشی، تولید ناخالص داخلی سرانه و کیفیت نهادی اثر منفی بر فساد داشته و تورم اثر مثبت بر فساد داشته است. همایونی فر و توتونچی (1399) عوامل موثر بر فساد اداری در کشورهای منتخب تولید کننده نفت برای دوره زمانی 1996-2019 با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری پانل مورد بررسی قرار می دهند. برآوردها نشان می دهد که در کشورهای با درآمد سرانه پایین، نسبت هزینه دولت به تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی باعث افزایش شاخص فساد اداری شده است در مقابل در کشورهای تولید کننده نفت با درآمد سرانه بالا، رشد اقتصادی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی باعث کاهش شاخص فساد اداری شده است. سونگ و همکاران (2021) در مطالعه‌ای برای 142 کشور در دوره زمانی 2002-2016 و رهیافت مدل تصحیح خطا به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، فساد و توسعه مالی می پردازند، نتایج مطالعه آنها نشان می دهد که نوعی رابطه بلندمدت بین متغیرهای مذکور وجود دارد، علاوه بر این شواهد نشان می دهد که در بلندمدت نوعی علیت از فساد به سمت توسعه مالی وجود دارد. زیرنهولد و جونگ-ایوانکوا<sup>۲</sup> (2021) برای کشور اوکراین رابطه بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و فساد را مورد بررسی قرار می دهند، نتایج مطالعه آنها با به کارگیری شواهد آماری اوکراین در دوره زمانی 1996-2019 و رهیافت *ARDL* نشان می دهند که فساد باعث کاهش توسعه مالی می شود. فری<sup>۳</sup> و همکاران (2021) به بسط روش هانگ و وی<sup>۴</sup> (2006) برای بررسی تاثیرات وجود فساد یک کشور که قسمتی از اتحادیه اروپا است پرداختند. آنها دریافتند که همچنان که فساد در یک کشور افزایش

۱ - Arthashastra

۲ - Ziemhold, K., & Jung-Ivannikova

۳- Ferre

۴- Huang and Wei

می‌یابد، مخارج عمومی عموماً در این کشور کاهش می‌یابد، اما تولیدش و نرخ تورم اتحادیه اروپا با توجه به نگرانی‌ها در مورد تثبیت مخارج عمومی ممکن است کاهش یا افزایش یابد. به خصوص، اگر فساد افزایش یابد و مقامات مالی کشور وزن نسبتاً بالایی را به تثبیت مخارج عمومی اختصاص دهد، نرخ مالیات این کشور افزایش می‌یابد، که تولید را کاهش و نرخ تورم را افزایش می‌دهد. رفاه در هر دو کشور نمونه عضو اتحادیه پولی اغلب بستگی به وزن اختصاص داده شده بوسیله مقامات مالی کشور آسیب دیده از فساد جهت تثبیت مخارج عمومی اش دارد. اگر این وزن نسبتاً پایین باشد، فساد رفاه را در هر دو کشور بهبود می‌بخشد و بالعکس.

### 3- دیدگاه‌های فکری در رابطه با فساد

#### 1-3 دیدگاه گروه اول: کارآمدی فساد

طرفداران مکتب کارآمدی فساد مانند لف، بی لی و هانتینگتون با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد در بخش عمومی را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌دانند و معتقدند که فساد نقش روغن را برای چرخهای خشک نظام های اداری و اقتصادی این کشورها ایفا و موجبات رشد اقتصادی و سرمایه گذاری در این کشورها را فراهم می‌کند. از این رو، طرفداران مکتب کارآمدی فساد، فساد را نوعی هزینه کسب و کار قلمداد می‌کنند که منفعت آن در کشورهای در حال توسعه بیش از هزینه های آن و از این رو، مقبول تر است. براساس این دیدگاه، لف<sup>۱</sup> (۱۹۶۴)، معتقد است، فساد می‌تواند با فراهم آوردن امکان نرخ بالاتری از سرمایه گذاری به رشد اقتصادی کمک کند و همچنین فساد می‌تواند ابداعات داخلی را بهتر سازد و در سطوح بالاتر به رشد اقتصادی منجر شود. همچنین به عقیده بی‌لی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶)، فساد چه به شکل حق و حساب و پورسانت و چه به شکل پرداخت‌هایی از جانب رشوه دهندگان می‌تواند به افزایش توزیع منابع در جهت سرمایه گذاری منجر شود.

#### 2-3 دیدگاه گروه دوم: ناکارآمدی فساد

گرچه مکتب کارآمدی فساد بر مبنای برخی استدلال های نظری و تجربی نسبتاً قوی ارایه شده بود، اما در سال های بعد، به ویژه پس از سال ۱۹۹۵، تحقیقات بسیاری در زمینه آثار فساد بخش عمومی انجام گرفت که نتایج آن، استدلال های این مکتب را با چالش مواجه و زمینه را برای حضور مکتب دوم فراهم کردند. اکنون دیگر با بی اعتبار شدن مکتب کارآمدی فساد در حوزه نظریه پردازی، می‌توان شواهد فراوانی را دال بر آثار مخرب فساد بر رشد و توسعه اقتصادی، یافت. تحقیقات نشان می‌دهند سطوح بالای فساد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) را که یکی از شاخص های توسعه اقتصادی به شمار می‌رود، کاهش می‌دهد. مائورو (۱۹۹۸) در تحقیق خود پیرامون، تأثیر فساد بر رشد، سرمایه گذاری و هزینه های دولت، نشان می‌دهد که 4/2 واحد افزایش در شاخص فساد (شاخصی که از یک تا ۱۰ درجه بندی می‌شود) با ۴ درصد افزایش در نرخ رشد سرانه مرتبط است. این موضوع به معنای آزاد شدن منابع عظیمی است که می‌تواند در محیطی سالم تر در خدمت رشد و توسعه کشور قرار گیرد.

### 4- عوامل موثر بر فساد اقتصادی

#### 1-4 سیاست پولی ( نقدینگی )

۱- Leff  
۲- Bayley

نقدینگی به عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی، تأثیر به‌سزایی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی دارد، جذب نقدینگی باید در جهت افزایش نرخ سرمایه‌گذاری مولد باشد تا جامعه را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار دهد. انضباط و ثبات نقدینگی شرط اصلی ثبات اقتصادی و ثبات متغیرهای کلیدی است. اهمیت انضباط و ثبات نقدینگی به حدی است که در برنامه‌های تعدیل ساختار، هم هدف و هم شاخص ارزیابی و هم ابزار دستیابی به اهداف دیگر قلمداد می‌شود. در اقتصادهایی که فعالیت‌های بخش نامولد و رفتارهای سوداگرانه رایج نیست و یا اندازه اش محدود است، افزایش نقدینگی به تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر منجر می‌شود اما اگر اقتصاد در معرض فعالیت‌های متنوع نامولد و رفتارهای سوداگرانه باشد، افزایش نقدینگی به معنای حرکت سرمایه‌ها به سمت امور تولیدی و سرمایه‌گذاری نیست (شاگری، ۱۳۸۷)، رشد نقدینگی بسته به میزان کنترل فساد در جامعه می‌تواند اثر متضاد بر اقتصاد داشته باشد، از یک طرف در یک اقتصاد با درجه فساد پایین، میزان نقدینگی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مالی تلقی شده و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد ولی از طرف دیگر در یک اقتصاد با درجه فساد بالا مانده‌های وجوه سوداگرانه را افزایش داده و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

#### 2-4 اندازه دولت

یکی از عوامل موثر بر فساد، اندازه دولت در اقتصاد است. اگر چه فساد با فعالیت دستگاه‌های دولتی، به ویژه انحصارات دولتی پیوند دارد، اما حذف کامل دولت واقع بینانه نیست و علاوه بر این، فساد در بخش خصوصی نیز مشاهده می‌شود. در مدل رشد بارو (۱۹۹۱)، به اندازه بهینه نسبت مصرف دولت به تولید ملی اشاره شده است. خلاصه‌ای از بحثی که بارو مطرح کرده، بدین شکل است که سهم مخارج دولت در درآمد ملی تا یک سطح آستانه‌ای باعث افزایش رشد می‌شود و از آن نقطه به بعد، افزایش آن تأثیر منفی بر رشد خواهد داشت. می‌توان چنین بیان کرد که بعد از این سطح آستانه‌ای و در مخارجی بیش از این سطح، انگیزه‌های مختلفی در بودجه دولت‌ها وارد می‌شود که بخشی از این انگیزه‌ها می‌تواند انگیزه‌های رانت جویانه باشد که زمینه‌ساز فساد است. به عبارتی، افزایش مخارج مصرفی دولت گاه بیان‌کننده یک علامت است که شاید افزایش مخارج دولت به منزله رشد نباشد، بلکه زمینه‌ساز فساد بیشتر و دور شدن از رشد باشد (برومند، ۱۳۸۷). همچنین فساد ترکیب مخارج مصرفی دولت را تغییر می‌دهد و این مطلب از سوی دیگر، بیان‌کننده این موضوع است که سهم مخارج مختلف مصرفی می‌تواند نشان‌دهنده سطوح متفاوت فساد باشد؛ برای مثال، مائورو (۱۹۹۸)، سربادارما (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱) و لاگر اوینس و پارادیسو (۲۰۱۲)، بیان می‌کنند که دولت‌های فاسدتر سهم کمتری از مخارج خود را به مخارج آموزشی و بهداشتی اختصاص می‌دهند، زیرا دریافته‌اند دریافت رشوه از بعضی از مخارج از جمله بخش‌های یادشده دشوارتر است. به عبارت دیگر، فساد با تقلیل کیفیت خدمات دولتی، کاهش هزینه‌های بخش‌های آموزشی و بهداشتی را به همراه دارد.

#### 3-4 سایر عوامل

فساد اقتصادی موجب افزایش نابرابری‌های درآمدی و گسترش فقر می‌شود. فساد اقتصادی، بهره‌وری مخارج سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. کاهش بهره‌وری مخارج سرمایه‌گذاری - گذاری، ناشی از هزینه‌های سنگین و عدم اطمینانی است که فساد اقتصادی ایجاد می‌کند. فساد اقتصادی می‌تواند موجب از دست رفتن بخشی از درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت شود؛ اما اثرات منفی معضل فساد اقتصادی تنها به موارد ذکر شده و پیامدهای اقتصادی محدود نمی‌گردد. شیوع قانون‌گریزی توده

ای وهن قانون، کاهش رضایت آحاد جامعه از نظام سیاسی و بروز بحران مشارکت و مقبولیت، تزلزل در کیان سیاسی و بحران نفوذ، بحران مدیریت، گسترش انواع بزه و آسیب‌های اجتماعی از جمله پیامدهای سیاسی اجتماعی فساد اقتصادی است که مورد تأکید صاحب نظران می‌باشد. آثار نامطلوب فساد بر اقتصاد، لزوم بررسی عوامل موثر بر فساد را مطرح می‌کند که در همین راستا مطالعه حاضر برآنست آنرا مورد مطالعه قرار دهد.

## 5- روش تحقیق و تصریح مدل

از آنجا که پژوهش حاضر در سطح کلان انجام گرفته، لذا از داده‌های آماری سری زمانی برای دوره 1375-1399 استفاده شده است و لزوم استفاده از رهیافت اقتصادسنجی سری زمانی مطرح می‌شود. در این راستا ابتدا به تصریح مدل پرداخته می‌شود، سپس، در تحلیل آماری با کارگیری رهیافت اقتصادسنجی ARDL به بررسی اثرات بلندمدت و کوتاه مدت سیاست پولی انبساطی بر فساد می‌پردازد با توجه به هدف پژوهش مبنی بر بررسی اثر سیاستهای انبساطی پولی بر فساد، براساس پیشینه پژوهش و ادبیات نظری مدل مورد بررسی به صورت رابطه (1) است:

$$\text{corr}_t = \alpha_0 + \alpha_1 \ln \text{Gdp}_t + \alpha_2 \text{mon}_t + \alpha_3 \text{mon}_t * \text{ins}_t + \alpha_4 \text{gov}_t + \alpha_5 \text{edu}_t + \alpha_6 \text{infla}_t + \alpha_7 \text{ins}_t + \varepsilon_t$$

در رابطه (1)،  $\text{corr}$  میزان فساد در اقتصاد است که براساس شاخص  $\text{mon}$  نسبت نقدینگی به تولید است،  $\text{mon} * \text{ins}$  اثر متقاطع نقدینگی و کیفیت نهادها است و در واقع تعدیل اثر نقدینگی بر فساد به واسطه کیفیت نهادها را نشان می‌دهد.  $\text{Gov}$  اندازه دولت و به عبارتی نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی،  $\text{edu}$  سرمایه انسانی و نسبت نیروی کار با سطح آموزش بالاتر است،  $\text{infla}$  نرخ تورم در اقتصاد است و به صورت نرخ رشد شاخص قیمت مصرف کننده محاسبه شده است،  $\text{ins}$  شاخص کیفیت نهادها است و برگرفته از شاخص‌های مرتبط با کیفیت نهادها شامل پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت نظارت و حاکمیت قانون می‌باشد. برای برآورد رابطه فوق از رهیافت اقتصادسنجی ARDL کرانه استفاده می‌شود و در آن اثر کوتاه مدت و بلندمدت متغیرهای اثر گذار بر فساد را مورد بررسی قرار داده و در نهایت میزان همگرایی به سمت تعادل را مورد بررسی قرار می‌دهد، و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا عدم تعادل‌های کوتاه مدت در بلندمدت قابل تعدیل هستند یا خیر.

جدول (1) آزمون ریشه واحد

متغیرهای در سطح		متغیرهای با یک تفاضل		
دیکی و فولر تعمیم یافته	فلیپس-پرون	دیکی و فولر تعمیم یافته	فلیپس-پرون	
-2/17 (0/22)	-1/76 (0/38)	-5/95 (0/00)	-6/36 (0/00)	فساد
-1/36 (0/58)	-0/623 (0/84)	-3/26 (0/02)	-4/87 (0/00)	سرمایه انسانی
-1/19 (0/65)	-1/11 (0/69)	-5/82 (0/00)	-6/03 (0/00)	اندازه دولت
-3/53 (0/016)	-2/29 (0/12)	-4/48 (0/00)	-4/22 (0/00)	تورم
-1/85 (0/34)	-1/36 (0/58)	-5/11 (0/00)	-7/67 (0/00)	کیفیت نهادها
-0/97 (0/74)	-0/97 (0/74)	-5/34 (0/00)	-5/38 (0/00)	اثر کیفیت نهادها و نقدینگی
-1/74 (0/39)	-1/78 (0/37)	-3/78 (0/00)	-3/72 (0/01)	تولید ناخالص داخلی
-1/38 (0/57)	-1/44 (0/54)	-4/75 (0/00)	-4/75 (0/00)	نقدینگی

منبع: یافته‌های تحقیق

برای بررسی مانایی متغیرها از دو آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته و فلیپس-پرون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون مانایی در جدول (1) آمده است، براساس نتایج به دست آمده، تمام متغیرهای پژوهش با استفاده از دو آماره مورد استفاده با یک تفاضل مانا هستند، یکی از دلایل مهم برای مانایی با یک تفاضل متغیرها، دوره کوتاه زمانی مورد بررسی است. از آنجا که درجه مانایی متغیرهای مورد بررسی برابر با یک است، لذا از رهیافت هم‌انباشتگی استفاده می‌شود.



جدول (2) آزمون هم‌انباشتی جوهانسون-سیلیسوس

آماره حداکثر مقدار ویژه	آماره تریس	آزمون
85/8 (0/00)	282/6 (0/00)	$\begin{cases} H_0: r = 0 \\ H_1: r \geq 0 \end{cases}$
77/17 (0/00)	196/77 (0/00)	$\begin{cases} H_0: r = 1 \\ H_1: r \geq 1 \end{cases}$
54/49 (0/00)	119/5 (0/00)	$\begin{cases} H_0: r = 2 \\ H_1: r \geq 2 \end{cases}$
31/7 (0/01)	65/09 (0/00)	$\begin{cases} H_0: r = 3 \\ H_1: r \geq 3 \end{cases}$
16/49 (0/19)	33/3 (0/019)	$\begin{cases} H_0: r = 4 \\ H_1: r \geq 4 \end{cases}$
	16/8 (0/03)	$\begin{cases} H_0: r = 5 \\ H_1: r \geq 5 \end{cases}$
	2/66 (0/10)	$\begin{cases} H_0: r = 6 \\ H_1: r \geq 6 \end{cases}$
3 بردار هم‌انباشتی وجود دارد.	4 بردار هم‌انباشتی وجود دارد.	نتیجه

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتی جوهانسون-سیلیسوس در جدول (2) ارائه شده است، فرضیه صفر آزمون جوهانسون-سیلیسوس در گام اول عدم وجود بردار هم‌انباشتی است، اگر فرضیه صفر در گام اول رد شود، در مرحله وجود یک بردار هم‌انباشتی مورد آزمون قرار می‌گیرد، اگر چنانچه فرضیه صفر در این مرحله رد شود، در گام سوم وجود 2 بردار هم‌انباشتی مورد آزمون قرار می‌گیرد و این آزمون‌ها تا زمانی که فرضیه صفر رد شود، ادامه خواهد داشت و در مرحله‌ای که فرضیه صفر تایید شود، تعداد بردار هم‌انباشتی تعیین می‌شود. براساس نتایج جدول (2)، آزمون تریس (اثر) در سطح خطای 5 درصد، دلالت بر وجود 4 بردار هم‌انباشتی دارد و براساس آزمون حداکثر مقادیر ویژه، 3 بردار هم‌انباشتی وجود دارد. بنابراین به طور کلی نوعی رابطه هم‌انباشتی بین متغیرهای تحقیق وجود دارد و از این نظر برآورد مدل با متغیرهای تحقیق از اعتبار تحلیل برخوردار هستند.

جدول (3) برآورد مدل پویای ARDL

مقدار احتمال	آماره t	ضریب	
0/96	0/04	0/013	تورم
0/006	-3/58	-1/64	تورم (-1)
0/552	-0/617	-0/09	سرمایه انسانی
0/03	2/48	0/53	سرمایه انسانی (-1)
0/804	0/255	-0/173	تولید ناخالص داخلی
0/007	-3/47	-1/91	تولید ناخالص داخلی (-1)
0/11	-1/74	-10/3	انداز دولت
0/06	2/15	1/02	کیفیت نهادها
0/045	2/32	1/12	کیفیت نهادها (-1)
0/075	-2/01	-0/231	نقدینگی
0/004	-3/79	-0/452	نقدینگی (-1)
0/229	1/28	0/126	کیفیت نهادها و نقدینگی
0/01	3/25	0/395	کیفیت نهادها و نقدینگی (-1)
0/006	3/54	0/062	روند
0/003	4/02	35/36	عرض از مبدا

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از برآوردها در جدول (3) نشان می‌دهد که تورم با یک وقفه اثر منفی و معنی‌داری را بر فساد در جامعه دارد به این مفهوم که تورم باعث افزایش نااطمینانی در جامعه شده و زمینه را برای افزایش فساد ایجاد می‌کند، اما اثرات آن در دوره جاری معنی‌دار نیست. بررسی اثر سرمایه انسانی نیز نشان می‌دهد که سرمایه انسانی با یک وقفه باعث افزایش در شاخص فساد و بنابراین کاهش در فساد می‌شود. در واقع افزایش سرمایه انسانی، سطح طبقه اجتماعی افراد را افزایش داده و آنها را از فعالیت‌های فسادآور منع می‌کند. تولید ناخالص داخلی با یک وقفه نیز باعث کاهش شاخص فساد شده و به این واسطه میزان فساد در جامعه افزایش می‌یابد. یکی از دلایل اصلی برای اثرگذاری مثبت تولید ناخالص داخلی بر فساد ناشی از واقعیتی است که تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران مبتنی بر نیروهای دارای ارزش افزوده بالا نیست و عمدتاً مبتنی بر محصولات نفتی است. به طوریکه با کاهش در صادرات نفتی در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی به صورت منفی گزارش شده است. لذا اگر رشد اقتصادی در کشور به نیروهای واقعی تولید مرتبط باشد، یقیناً فساد به دلیل ساختار تولید محور بودن کاهش یافته و زمینه را برای رانت و فساد کاهش می‌دهد.



جدول (4) برآورد ARDL بلندمدت

مقدار احتمال	آماره t	ضریب	
0/027	-2/63	-1/62	تورم
0/027	2/64	0/44	سرمایه انسانی
0/003	-3/93	-2/08	تولید ناخالص داخلی
0/115	-1/74	-10/3	انداز دولت
0/001	4/75	2/14	کیفیت نهادها
0/004	-3/89	-0/683	نقدینگی
0/009	3/3	0/52	کیفیت نهادها و نقدینگی
0/006	3/54	0/062	روند
0/003	4/02	35/36	عرض از مبدا

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآوردها در بلندمدت در جدول (4) گزارش شده است، براساس یافته‌های پژوهش در بلندمدت اغلب متغیرها دارای اثرات معنی‌داری بر فساد هستند، در بلندمدت اقتصاد توانایی عکس‌العمل در برابر هر تغییری را دارد. طوری که با افزایش تورم در بلندمدت میزان فساد در اقتصاد افزایش یافته است، با افزایش یک درصد در تورم، میزان فساد در اقتصاد در بلندمدت به اندازه 1/62 درصد افزایش می‌یابد. این مسئله دلالت بر اهمیت نااطمینانی و بی‌ثباتی در اقتصاد دارد، هر چه نیروهای نااطمینانی در اقتصاد رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه کنند، فساد در اقتصاد نیز افزایش می‌یابد. دومین متغیر معنادار موثر بر فساد، سرمایه انسانی است که اثر مثبت و معنی‌داری را بر فساد داشته است، در واقع سرمایه انسانی از یک طرف باعث افزایش سطح طبقه اجتماعی افراد شده و به این واسطه ایجاد فساد را به عنوان یک مولفه نامطلوب در اقتصاد تلقی می‌کنند، و از طرف دیگر افزایش سطح سرمایه انسانی، اثرگذاری افراد را در اقتصاد افزایش داده و باعث افزایش سطح بازدهی سرمایه انسانی شده و به این صورت میزان فساد در اقتصاد کاهش می‌یابد.

جدول (5) برآورد مدل تصحیح خطا

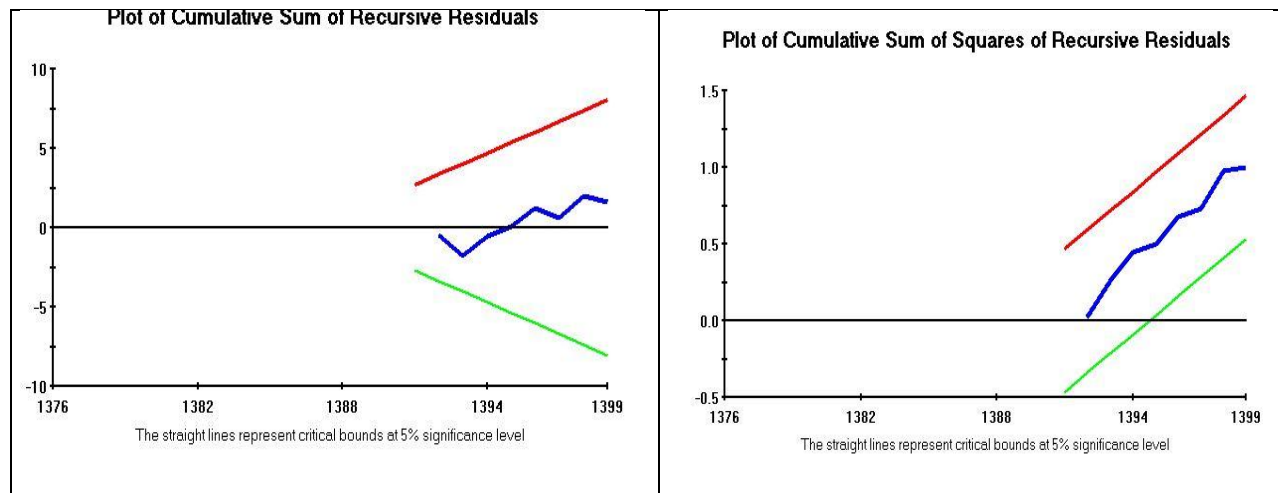
مقدار احتمال	آماره t	ضریب	
0/014	-2/8	-0/434	تورم
0/45	0/76	0/26	سرمایه انسانی
0/567	-0/586	-0/32	تولید ناخالص داخلی
0/525	-0/65	-1/71	اندازه دولت
0/00	4/7	0/167	کیفیت نهادها
0/15	-1/52	-0/069	نقدینگی
0/00	5/82	0/042	کیفیت نهادها و نقدینگی
0/00	5/13	0/039	روند
0/024	-2/52	-0/327	ضریب تصحیح خطا

منبع: یافته‌های تحقیق

در جهت برآورد تعدیل پویایی عدم تعادل کوتاه مدت به سمت ایجاد تعادل بلندمدت از رهیافت تصحیح خطا استفاده می‌شود، شواهد حاصل از برآوردها در جدول (5) نشان می‌دهد که در هر دوره زمانی 32 درصد از عدم تعادل در فساد در کوتاه مدت در مسیر به سمت تعادل بلندمدت کاهش می‌یابد، به این صورت که نوعی همگرایی به سمت تعادل بلندمدت وجود دارد. اثر سایر متغیرهای پژوهش در قالب دوره زمانی کوتاه مدت قابل تفسیر است، اگرچه از نظر معناداری دارای تفاوت قابل ملاحظه‌ای با روند بلندمدت است، اما از نظر علامت ضرایب تقریباً همانندی بین کوتاه مدت و بلندمدت وجود دارد. بنابراین مسئله فساد در اقتصاد یک مسئله نهادی است که در روند بلندمدت در اقتصاد ایجاد شده است و با سیاست‌های کوتاه مدت در اقتصاد قابل حل نخواهد بود و نیازمند ارائه سیاست‌های موثر و دقیق در راستای کاهش فساد در اقتصاد است. نکته قابل ذکر مهمی که در برآورد به روش تصحیح خطا وجود دارد، این است که کیفیت نهادها در کوتاه مدت نیز اثر قابل ملاحظه‌ای را بر کاهش فساد دارد و نوعی انتظارات مطلوب نسبت به آینده اقتصادی را نشان می‌دهد، که بالا بودن کیفیت نهادها در کوتاه مدت نیز بر چشم‌انداز مطلوب فرآیندهای تولیدی اثر گذار خواهد بود.

### آزمون ثبات مدل

یکی از آزمون‌های مهم پس از برآورد مدل به روش ARDL، آزمون ثبات مدل است که به وسیله نمودارهای Cusum و مجذور Cusum قابل ترسیم است، در این آزمون‌ها اگر نمودار آماری، یکی از خط‌های طرفین را در سطح 5 درصد، قطع کند، مدل باثبات نخواهد بود. براساس شواهد به دست آمده، نمودار آماری در بین خطوط بحرانی قرار دارد و دلالت بر ثبات مدل برآورد شده دارد و به این واسطه تفسیر نتایج دارای اعتبار بالایی است.



نمودار (1) آزمون ثبات مدل

## 6- نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با استفاده از شواهد آماری اقتصاد ایران در دوره زمانی 1375-1399 به بررسی اثر سیاست‌های پولی بر فساد می‌پردازد، با توجه به ساختار داده‌های پژوهش و همچنین لزوم بررسی رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین متغیرهای اقتصادی مورد بررسی با فساد، از رهیافت اقتصادسنجی *ARDL* استفاده شد. شواهد آماری گردآوری شده نشان داد که فساد در اقتصاد ایران در سال‌های مورد بررسی افزایش یافته است، شاخص فساد از رقم  $0/48$  در سال 1375 به رقم  $1/09$  در سال 1399 افزایش یافته است. علاوه بر این نقدینگی نیز روندی افزایشی را نشان می‌دهد، طوری که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی از مقدار  $0/05$  در سال 1375 به مقدار  $6/32$  در سال 1399 افزایش یافته است. لذا این فرضیه مطرح شده است که سیاست پولی در اقتصاد ایران باعث افزایش فساد شده است. بنابراین به دلیل ظرفیت‌های خالی و عدم توسعه بنیادین اقتصاد، هر گونه افزایش در نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی باعث افزایش فساد در اقتصاد شده است. نتایج برآوردها در زمینه بررسی سایر عوامل موثر بر فساد نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت به دلیل ماهیت آن باعث افزایش فساد شده است، تورم به دلیل ایجاد عدم ثبات اقتصادی باعث افزایش فساد شده است، کیفیت نهادها به دلیل کاهش هزینه مبادلات و سرمایه‌گذاری در کشور باعث کاهش فساد می‌شود. سرمایه انسانی به دلیل افزایش بازدهی نیروی کار و همچنین افزایش سطح طبقه اجتماعی افراد موجب کاهش فساد شده است. اما آنچه که در تحلیل‌های اقتصادی مرتبط با فساد مهم و دارای ارزش است، بحث نهادینه شده فساد در اقتصاد و بلندمدت

بودن آن در اقتصاد است. در واقع فرآیند کاهش فساد در اقتصاد یک پدیده بلندمدتی است که به دلیل ساختارهای ناصحیح شکل گرفته و برای کاهش آن نیازمند استراتژی بلندمدت است و به همین دلیل اغلب متغیرها در بلندمدت معنی‌دار است.

1- تمرکز بر فعالیتهای تولیدی دارای ارزش افزوده بالا در جهت عدم اثرگذاری نفت بر تولید ناخالص داخلی و کاهش فساد در اقتصاد.

2- هدایت مخارج دولت به سمت زیربناها و تسهیل در مجوزها و ارائه قوانین محکم و قابل اجرا در جهت کاهش فساد.

3- بهبود در کیفیت نهادها و اجرای صحیح قوانین در جهت ایجاد اعتماد به آینده اقتصاد و کاهش فساد.

4- هدایت موثر نقدینگی به سمت فعالیتهای دارای ارزش افزوده بالاتر و جلوگیری از بازارهای رانتی.

5- بهبود کیفیت سرمایه انسانی و توجه به کارآفرینی ناشی از سرمایه انسانی در راستای کاهش فساد.

## منابع

1. اصغرپور، حسین (1381). رانت و رانت جویی مانعی در پیشبرد اصلاحات اقتصادی . مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران، اصلاحات اقتصادی در ایران : مبانی نظری و برنامه عملی.
2. اقتصادی در ایران :مبانی نظری و برنامه عملی، دانشگاه تربیت مدرس.
3. حبیبی، نادر (1375). فساد اداری عوامل مؤثر و روش های مبارزه با فساد. چاپ اول، مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی، 160 - 1.
4. حقانی، فتح الله (1387)، بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، مازنداران: دانشگاه مازنداران، دانشکده اقتصاد.
5. خداپرست، مهدی و کردی، عبدالرحیم (1397). تأثیر ترکیبات مختلف فساد بر جذب سرمایه در کشورهای همتراز سطح توسعه ایران، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی، 7 (25): 155-175.
6. خورسند، حمید (1392). مطالعه شاخص توسعه انسانی و فساد اداری و بررسی رابطه بین آنها در کشورهای منتخب طی سالهای 2010 الی 2012 ، پایاننامه کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.
7. زارع بیدکی، مریم و زارع بیدکی، (فاطمه 1396). بررسی تأثیر فساد اداری بر بهره‌وری منابع انسانی در سازمانهای دولتی، مجموعه مقالات دوازدهمین کنفرانس ملی کیفیت و بهره‌وری؛ اسفندماه 1396: 10-1.
8. سردارنیا، خلیل الله (1388). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب. نشریه سیاسی اقتصادی، 23 (259): 132-145.
9. شاکری، عباس (1387)، تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل)، تهران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها،
10. شاه آبادی، ابوالفضل، صادقی، حامد. (1389). تبیین اثر کیفیت نهادی بر فساد اقتصاد: رهیافت لیزرل. فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی 4 (12): 19-38.
11. فدایی، مهدی، غفاری، سعید. (1396). بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران. چشم انداز مدیریت دولتی، 8 (4)، 65-86.
12. قلی پور، رحمت اله (1383). تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت. نشریه دانش مدیریت، شماره 67 ، 86 - 1.
13. کریمی پتانلار، سعید؛ بابازاده، محمد و نعیمه، حمیدی (1391)، اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه، پژوهشنامه اقتصادی، 12 (46): 141-156.
14. متفکرآزاد، محمدعلی، اسدزاده، احمد، گرشاسبی، سعید. (1392). تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی. جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، 2 (1)، 125-143.
15. محسنی زنوزی، سید جمال الدین، حکمتی فرید، صمد، طالبپور، سمیه. (1395). تأثیر کنترل فساد و افزایش نقدینگی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه. اقتصاد و الگو سازی، 7 (28)، 85-106.

16. مسگری مشهدی، سعید (1395)، بررسی عوامل اقتصادی موثر بر فساد در کشورهای عضو اوپک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

17. میر جلیلی سید حسین (1381). فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران، مجموعه مقالات همایش اصلاحات

18. همایونی، مهدی. توتونچی، سعید (1400) حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی، 3(4): 86-15.

19- Fungacova, Z., Määttä, I., & Weill, L. (2019). Corruption in China: What Shapes Social Attitudes Toward It?. *Comparative Economic Studies*, 61(3), 493-518.

20- Treisman, Daniel. (2000). The Causes of Corruption: A Cross-national Study. *Journal of Public Economics* 76:399-457.

21- Bayley, D. H. (1966). The effects of corruption in a developing nation. *Western political quarterly*, 19(4), 719-732.

22- Kaufman, D. Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues. Working paper No. 5430. Washington, DC: *The World Bank*.

23- Kwon, H. & Kim, E. (2014). Poverty reduction and good governance: Examining the rationale of the Millennium Development Goals. *Development and Change*, 45(2), 353-375..

24- Vindelyn, A & Hillman, H. (2007), Competition policy, inflation and corruption: evidence from African economics, *Applied Economics Letters*, Taylor and Francis Journals, 14(9):653656





## The effect of Expansionary Monetary Policies on Corruption in Iran

Ali Falahati<sup>1</sup>, Afshin Baghfalaki<sup>2\*</sup>

### Abstract

Corruption is one of the main realities for oil countries and especially for Iran's economy. The importance of examining and studying corruption in economies is due to the negative effects it has on real sectors of the economy. Based on this, many studies and researches have been conducted in relation to investigating factors affecting corruption in different countries. The present study investigates the long-term and short-term effects of expansionary monetary policy on corruption by using the statistical evidence of Iran's economy for the period of 2015-2018 and applying the ARDL econometric approach. The results of the estimates show that the ratio of liquidity to GDP has increased corruption due to the creation of rent in the economy, but the favorable quality of institutions can improve the effective direction of liquidity towards activities with higher added value, causing a positive effect of liquidity on the reduction of corruption. In fact, what can be said about the relationship between liquidity and corruption is the incorrect direction of money towards activities without added value and rent, which has caused an increase in corruption in the economy. Also, the estimates show that the increase in the size of the government has caused an increase in corruption due to its nature, inflation has caused an increase in corruption due to economic instability, the quality of institutions has caused a decrease in corruption due to the reduction in the cost of transactions and investment in the country. And finally, human capital has reduced corruption due to the increase in labor productivity and the increase in the level of social class of people. Therefore, one of the main issues for Iran's economy is the institutionalization of corruption in the economy, and it requires a long-term plan to fight corruption, and short-term policies cannot be considered as a desirable solution.

**Keywords:** Corruption, Expansionary monetary policy, ARDL, Iran.

<sup>1</sup> - Associate Prof., Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

<sup>2</sup> - Department of Economics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author)

afshin.baghfalaki@iauksh.ac.ir